واتبع ملة ابراهيم حنيفا

پیروی کنید کیش ابراهیم پاک را

دین حنیف یا رساله حنیفیه

حرمة ریش تراشی

(بقلم)

دانشجوی محترم

آقای علی اکبر صبوری قمی

– نزیل –

(نجف اشرف)

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم

حلق اللحية من المثلة ومن مثّل

فعليه لعنة الله

فرمود پیغمبر اکرم (ص) تراشیدن

ریش نوعی از مثله کردن است

هر کس مثله کند لعنت خدا بر او ست

طبعت في المطبعة الحيدرية في النجف الأشرف

واتبع ملة ابراهيم حنيفا

پیروی کنید کیش ابراهیم پاك را

دین حنیف یا رسالۀ حنیفیه

حرمت ریش تراشی

(بقلم)

دانشجوی محترم

اقاي علی اکبر صبوري قمی

– نزیل –

(نجف اشرف)

قال النبی صلی الله علیه وآله وسلم

حالق اللحیة من المثله ومن مثل

فعلیه لعنة الله

فرمود پیغمبر اکرم (ص) تراشیدن

ریش نوعي از مثله کردن است

هر کس مثله کند لعنت خدا براوست

طبعت في المطبعة الحيدرية في النجف الأشرف

بسم الله الرحمن الرحیم

« تقریظ بقلم الحجة آیة الله السید میرزا عبد الهادی الشیرازی »

« ادام الله بقاءه »

بسم الله ولله الحمد وافضل صلواته علی افضل بریته محمد وآله صلی الله علیهم اجمعین. این رساله شریفه را که از تألیفات جناب مستطاب ثقة الاسلام مروج الأحکام العالم العامل والبارع الزکی الکامل آقای آقا شیخ علی اکبر الصبوری القمی دامت توفیقاته وتأییداته است مطالعه نمودم الحق والانصاف کوتاهی ننموده وجهات مسئله را بنحو اوفی با استدلال بیان فرموده شایسته هر نوع شکر وتقدیر است جزاه الله عن الاسلام خیر الجزاء ویحشره الله مع المجاهدین فی سبیله والحامین عن دینه

الأذل عبد الهادی الحسینی الشیرازی

فی ۱۴ جمادی الثانیة سنة ۱۳۶۸

« تقريظ بقلم العلامه حجة الاسلام الشيخ محمدمحسن (المدعو) »
« بآقا بزرك الطهراني »

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس گذاري روا نيست مگر آن يگانه بي همتارا كه در فطرت هر مخلوقي نشانه‌ئي خودرا يادكار كذارده « ما من شيء الا يسبح بحمد ربه » ودر طينت هر بشري قوة شناسائي خويش رامكنون داشته « ماخلقت الجن والانس الا ليعبدون » پس زهي سعادتمند خواهد بود كسيكه مابالقوه او فعلي شود سعي كردن در رسانيدن خودرا بنتيجه زندكاني خود وصرف نمودن سرمايه عمر موهوبي را در پيدا كردن راه راست سعادتمندي را براي خود و نشان دادن آنرا با بناء جنس خود والحق والانصاف كه كوي اين سعادترا كما هو حقه ربوده است مؤلف اين كتاب مستطاب كه مطالعه مضامين آن مغني از تعريف واطراء واطناب است وهو الفاضل البارع الكامل البالغ مراتب الشيوخ الكبار وهو في ترعرع الشباب مولانا الشيخ علي اكبر الصبوري القمي اكثر الله في حملة العلم امثاله وبلغه غاية آماله چه آنكه اين وجود شريف از آنچه وظيفه دين داري وحق پرستي بوده كوتاهي ننموده وبكمال اخلاص خالي از كلال وملال اين بزرك قانون دين حنيف را كه دست اراذل واوباش ناس وسفله وجهال عوام آنرا كرجان كرده پشت پائي نموده واين معصيت كبيره را كه آنان آنرا حقير شمرده بلكه آنرا از مباحات اصليه در انظار وانمود كرده اند بصداي بلند عظمت وبزركي آنرا بكوش ابناء هوش رسانيده فجزاه الله عن حماية دينه وقانونه خير جزاء المحسنين وحشره مع العلماء العاملين في اعلى عليين والحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام

على رسوله محمد وآله الطاهرين

حرره اقل العباد عملا واكثرهم ذنبا وجرما المسيء المسمى بمحمد محسن والمدعو بآقا بزرك الطهراني نزيل الغري السري والنجف الأشرف في « ١٢ / ج ٢ – ١٣٦٨ »

« تقريظ بقلم العلامه الحجة آقا ميرزا محمد علي الغروي الاردوبادي »

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى

اين سفر شريف كه بنحو اوفى وارد مسئله وبطريقه شايان خارج وعهده دار جهات مطالب بصوره مرضيه است يكي از حسنات عصر حاضر ميباشد فحيا الله مؤلفه العالم البارع ماأثره الوف وغرد الزمن العلامه الاوحد الشيخ علي اكبر الصبوري القمي لازاله حامية الدين وداعيه الهدى

الأحقر محمد علي الغروي الاردوبادي

حرر في ١٤ ج ٢ / ١٣٦٨

سبب تأليف

چون حقير سال گذشته از عتبات عاليات بقصد زيارت حضرت رضا علي بن موسى عليه آلاف التحية والسلام رهسپار بايران شدم وخوب در وضع ديانت جامعه تكاوش وكنجكاوي نمودم ديدم واقعا بقدري قبح اعمال محرمه از نظر جامعه رفته بطوريكه اصلا بعضي از محرمات الهي را انكار ودر مقام تحليل آن محرم هستند يكي از محرماتي كه فعلا غالب مردم مخصوصا متجددين (عصر اتم) مرتكبند همانا تراشيدن ريش است كه اصلا قبحي بيش آنها ندارد بلكه گذاشتن ريش را قبيح ميدانند واگر آنها را هم نهي از اين عمل شنيع نمائي در جواب ميگويند در كدام از صفحات قرآن نهي از اين عمل شده وما در صفحه ٨ در خطاي جاهلان در احكام شرعيه معين نموديم كه اين حكم الهي «حرمة ريش تراشي» در كدام از صفحات درج شده واز چه شخصي بايد احكام الهي را اخذ كرد ولذا بعد از مراجعت بنجف اشرف حاضر ميشدم درس يكي از مدرسين طراز اول نجف اشرف وايشان خارج مكاسب محرمه تدريس مينمودند موقعي كه مسئله حرمه لهو ولعب را بآخر رسانيدند بعضي از فضلاى حوزه درس از ايشان خواهش نمودند كه در اطراف حرمه ريش تراشي بحث نمايند وايشان هم كما هو حقه تمام ادله حرمة را از آيات واخبار وعقل وسيره واجماع بيان كردند وحقير مطالب را بااسلوب ساده نگاشتم بازيادتي اجماع مذاهب اربعه بر حرمه ريش تراشي واقوال اطباء قديم وجديد در مضرات ريش تراشي

اقل الطلبة خادمة العلم والدين
علي اكبر الصبوري القمي

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده بخشایشگر

پس از ستایش وسپاس خداوند جهانیان وصلوات وسلام براشرف ممکنان وسید کاینات وخلاصه موجودات محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله وسلم وصلوات بیحد حصر بروح پاك جانشین بلا فصل وخلیفه برحق وی مولی الکونین علي بن ابیطالب «ع» وبر یازده فرزندان اوباد خدایا سپاس که درهاي دانش را بروی ما گشود تا علوم اسلامي را پایدار کنیم و کتمان حقایق او نشود

« مقدمه اول »

(مضرات کتمان احکام شرعیه)

« سوره بقره » { ان الذين يكتمون ما انزلنا من البينات والهدى من بعد مابيناه للناس في الكتاب اولئك يلعنهم اللاعنون. الا الذين تابوا واصلحوا وبينوا فاولئك اتوب عليهم وانا التواب الرحيم. ان الذين يكتمون ما انزل الله من الكتاب ويشترون ثمنا قليلا اولئك ما يأكلون في بطونهم الا النار ولا يكلمهم الله يوم القيمة ولا يزكيهم ولهم عذاب أليم. اولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى والعذاب بالمغفرة فما اصبرهم على النار ذلك بأن الله نزل الكتاب بالحق وان الذين اختلفوا في الكتاب لفي شقاق بعيد }

« ترجمه » بدرستیکه کسانی که مخفي میدارند آنچه را که نازل کردیم از بیان آشکار وواضح وهدایت پس از اینکه اورا برای همه مردم آشکار نمودیم در کتاب آنهارا خدا ولعنت کنندگان (ملائکه و پیغمبران و اولیاء) لعنت میکنند مگر کسانیکه توبه وخود را اصلاح بنمایند واحکام الهي را آشکار کنند از آنها میگذرم ومن

آمرزنده ام و مهربانم و میفرماید بدرستیکه کسانیکه مخفی میدارند چیزی را که خدا در کتاب نازل کرده و اورا میفروشند بثمن قلیلی آنها نمیخورند درشکمشان مگر آتش را و خدا با آنها سخن نمیگوید و آنهارا پاکیزه نمیکند وعذاب دردناك برای آنها است و آنها کسانی هستند که هدایت را فروختند وضلالت و گمراهی را خریدند چقدر در آتش جهنم صبر خواهند کرد برای اینکه خدا کتاب را بحق نازل کرده و کسانیکه در کتاب اختلاف نمودند برای مخفی کردن احکام الهی در سر پیچی وسر گردانی ودوری هستند . ای متظاهرین بدیانت بدانید که احکام الهی تمامش ازعبادات ومعاملات وسیاسات برای جلب مصالح ودفع مفاسد جعل شده اگر مخفی شود بشر از مصالح آنها محروم و بمفاسدی دچار خواهد شد که باعث تشویش واختلاف کلمه مابین افرادجامعة میشود وهر کس روی هوی وهوسی که دارد حکمی ورأئی اتخاذ میکند وعموم مردم دچار سر گردانی وبلا تکلیفی میکردند

« مقدمه دوم »

(وظیفه جاهلان دراحکام شرعیه)

در شریعت اسلام تمام تکالیف بشر از جزئی و کلی معین شده بطوریکه هر کس بوظیفه مقرره خود عمل نماید هیچ نقص وخللی در امور اووارد نخواهد شد از جمله تکالیفی که برای جاهل مقرر شده درشرع انور در ابتداء امر رجوع نمودن او بعالم دراحکامی که راجع بدین است وانسان اگر قوه استنباط ندارد باید در تمام احکامش از جزئی و کلی رجوع بمفتی وعالم نماید وحق ندارد بدون گفتن عالم چیزی بگوید وحکمی را بیان نماید واین اصل موافق

عقل و ادلهٔ شرعیه میباشد و در مذهب شیعه مقرر و مصرح و مسلم
است بلکه یکی از جبلیات نوع بشر است که باید در تمام علوم حتی
صنایعی را که نمی‌داند انسان اگر خواسته باشد اطلاع از او پیدا
نماید بدون رجوع بعالم آن فن و صنعت از برای او حاصل نمی‌شود
ولکن عملاً می‌بینیم که این اصل مسلمی را که عقل هر ذی‌شعوری
براو حاکم است تخطی شده حتی برساله مجتهدین هم وقعی گذارده
نشده برخلاف حکم آنها سخن رانده اگر جاهلان مدعیان دیانت باین
اصل معتقد میشدند و هر کس بمجتهدی که مرجع اوست رجوع می
نمود و بدون گفتن او سخنی نمی‌راند هرگز اختلاف کلمه و تشتت
آراء و مفاسد دیگر تولید نمی‌شد و در حدیث وارد شده «لو سکت
الجاهل بما لا یعلم لم یختلف اثنان» یعنی اگر جاهل ساکت میشد از آنچه
را که نمی‌داند اختلاف مابین دو نفر پیدا نمی‌شد از این پس منشاء
اختلاف همیشه جهال هستند برای رفع این اختلافات چاره نیست
جز اینکه مجال داده نشود بجهال که در احکام شرعیه و تعیین تکالیف
نوعیه بدون رجوع مجتهد دخالت کنند

«مقدمه سوم»

(خطای جاهلان در احکام شرعیه)

اگر سؤال کرده شود از این اشخاصی که مقداری بمبدء و معاد
قائلند چرا این عمل قبیح را مرتکب میشوید در جواب میگویند در
کدام از صفحات قرآن نهی از این عمل شده اولاً باین شخص
میگوئیم تو خودت که قرآن فهم نیستی تا اینکه بفهمی نهی وارد
شده یا نه و بمقتضی مقدمه دوم باید رجوع بعالم فن نمائی و ثانیاً این
کتاب آسمانی که نازل بر پیغمبر اسلام شده و تمام کلیات احکام اسلام

از عبادت ومعاملات وسیاسات در این کتاب مجید بر عهده پیغمبر اسلام است که برای امت خود بیان نماید و بعد از خودش هم وصی قرار داده وفرمود این کتاب از عترة من جدا نمیشود تا اینکه روز قیامت وارد شوند برمن وسؤال مینمائیم از این اشخاص که در کدام از صفحات قرآن نوشته شده نماز صبح دو رکعت است وبچه نحو باید خوانده شود وبچه نحو باید حج نمود وغیر ذلك از احکام مادر جواب ازطرف این اشخاص میگوئیم که بیانات این احکام راجع به پیغمبر « ص » اسلام است و بعد از خودش هم محول فرمود بائمه معصومین علیهم السلام وفعلاهم که زمان غیبت است بیان این احکام راجع است بحامیان دین ومجتهدین اسلام که خود امام ایشها راتعیین نموده است از برای بیان کردن احکام ورجوع کردن مردم بایشها پس بنابر این باید رجوع بمجتهدین نمود وبدون جهت دروغ بر خــدا و بیغمبر نابندید که دروغ گفتن بخدا اکیداً درقرآن کریم واحادیث شریفه ممنوع شده « درسوره کهف » فرمود { ولا تقولوا لما تصف السنتکم الکذب هذا حلال وهذا حرام لتفتروا علی الله الکذب ان الذین یفترون علی الله الکذب لایفلحون }

« ترجمه » مگوئید آنچه زبانتان وصف کرده که این حلال است واین حرام برای اینکه دروغ بخدا می بندید حتما کسانیکه بخــدا دروغ می بندند رستکار نمیشوند ونیز دراحادیث شریفه وعیدعقاب شدیدالهی بر گفتن برخدا بدون علم داده شده وحضرت امیر المؤمنین « ع » میفرماید اگر ازآسمان بیفتم وکرکس هاتن مرا بربایند وتکه تکه کنند دوست تر نزد من است از آنچه بر رسول خدا بگویم که از بیغمبر نشنیده باشم بااین آیات کریمه واحادیث شریفه بچــه میزان

جاهلان متصدی مقام علمی می شوند و بدون اینکه رجوع باخبار واحادیث نمایند سخن میکویند تمام این احکام الهی از جزئیات وکلیات آن روی یک مصالح ومفاسدی جعل شده حصر نمی خواهم فلسفه احکام رابیان نمایم بلکه اقوال اطبائیکه مضراتی از برای ریش تراشیدن کفته اند نقل میکنیم

« اقوال اطباء »

(در مضرات ریش تراشی)

نظر باینکه فعلا متجددین عصر طلائی بیشتر آشنای با کلمات « موسیو فلان » هستند و با کلمات أئمه هدی سلام الله علیهم سرو کاری ندارند بلکه بسا میشود نعوذ بالله اطمینانشان بهجمله که نقل شده « از دکتور فلان وایکتور فلان » بیشتر است از کلمات معصومین ولذا قبل از آیات واخباری که در این باب وارد شده مقداری از کلمات اطباء ممالك خارجه رانقل مینمائیم درتاریخ (امریکا در صفحه ١٦٠) سجعان رومانی میکوید بعضي از این مردم امروز از ریش تراشیدن خوششان می آید وحال انکه کذاشتن ریش بهتر است از تراشیدن بجهت اینکه نطاسي شهیر « دکتور فینکور جرج » کفته است از برای ریش منافع زیادی است از جمله دهان را حفظ میکند ومانع ازرطوبات میشود ودندانها وغددلعابیه را باکیره نکاه میدارد درروزنامه « العدل که دراسلامبول » نشر میشود در شماره یکصد وسي ودوم بتاریخ ـ ٢١ نوفمبر ١٩١١ ـ درج شده باین عبارت «ضد حلق اللحیه » تألیف جمعیة في انکلترا لمقاومة استعمال الموسی ومن مبادی هذه الجمعیة السعي فی حمل الناس علی ارسال لحاهم بحجة ان الموسی تکون سببا من اسباب نقل العدوی والأمراض المعدیة وقد

طبعت هذه الجمعية منشوراً وزعته على كبار الانكليز واعيانهم ودعتهم فيه لتائيدها بارسال لحاهم حتى يتشبه بهم الشعب وقد وضعت في المنشور صورتين واحدة تمثل رجل حليق الذقن والاخرى تمثل رجل ذا لحية وجمعت كل المحاسن في الوجه الثاني كما ملئت لوجه الأول بالقبائح الخ

« ترجمه » در اين روزنامه كه در اسلامبول منتشر ميشود بر عليه وضد عادت ريش تراشي جماعتي درانكلستان انجمن نموده اند سخت جلو گيرى مينمايند از كار كردن تيغي بر رخسار ريش تراشيان واز جمله تعليمهاى اسامي اين جماعت سعي وتلاش در اينكه مردمانرا وادار كنند برها ساختن ريش وترك تراشيدن آن بجهت اينستكه تيغهاى دلاكان مايه سرايه وتعدى امراض مسريه است بلب ودهان وچهره وكلوى ريش تراشان ودرستيكه اين انجمن ورقه جاب نموده وبر بزرگان انكليس ولوردهاى ايشان قسمت وبخشش نموده وايشان را بمساعدت خود خوانده كه رها سازند ريشهاي خود را تا اينكه عموم ملت تقليد آنها وپيروى بنمايند ودر اين ورقه دو صورت جاب شده يكي تمثال مردى كه ريش خود را تراشيده است ودر او جميع زشتيها وبديها را نمايش داده وديگرى تمثال مردى كه ريش خود را رها ساخته ودر او جميع زيبائيها وخوبيها راجلوه ونمايش داده اند ونيز در (مجلة المقتبس) جاب دمسق در جلد ششم صفحه (١٤٤) اثبات نموده كه تيغهاى ريش تراشان ناقل امراض وباعث سرايت دردها است بچهره وصورت مردمان تندرستي كه بتراشيدن ريش عادت نموده اند (قال سجعان وغيره) انهم حلقوا مرة لحى جميع مستخدمي السكك الحديدية في ايام الشتاء فحصل لأكثرهم وجع ونخر في الأضراس والأسنان وورم في الغدد اللمابية

(ترجمه) سجهان واطبای دیکر مثل (دکتور جرج) کفته اند که درزمانی تراشیدند ریشها را کارکنان راه آهن در موسم زمستان بس بیشتر از اینها مبتلا بدرد دندان وآماس واورام سخی شدند در غده‌های که سرچشمه های لعاب کاو ودهان است (سجهان) کفته که اهل این مملکت همیشه مبتلای بمرض زکام بودند بعداً یکی از اطبای حاذق امر کرد مردم را که ریش نکذارند وآنها هم عملی نمودند بکلی زکام از مابین مردم بر طرف شد از این کونه اقوال اطباء زیاد است واحتیاج نداریم بزاید آن بعد از اینکه اخبارزیادی از أئمه هدی علیهم السلام بر حرمة ریش تراشی وارد شده

(استدلال بر حرمة ریش تراشی)

(از قرآن کریم)

(۱) ازجمله استدلالات بایه کریمه (واتبع ملة ابراهیم حنیفا) است در تفسیر علي بن ابراهيم قمي نور الله مضجعه از حضرت صادق « ع » روايت ميكنند كه فرمود نازل كرد خداوند تبارك وتعالى برحضرت ابراهيم حنيفيه را « الطهاره » كه عبارت باشد از پاكيزكي كه ان ده چيز ميباشد بنج چيز ان راجع بسر است وبنج چيز راجع ببدن آن چيزها ئيكه راجع بسر است

(اول) كرفتن شارب «سبيل» (دوم) كذاشتن ريش (سوم) تراشيدن موي سر (جهارم) مسواك كردن « بنجم » خلال نمودن

واما آن بنج چيزى كه راجع ببدن است

« اول » تراشيدن مواز بدن « دوم » ختنه كردن « سوم » ناخن كرفتن « جهارم » غسل جنابة « بنجم » طهاره بآب واين ده چيز حنيفيه بحضرت ابراهيم است كه آورد براى امت خود ونسخ

نشده و نسخ نخواهد شد تا روز قیامت مجلسي عليه الرحمه در جلد (۱۶) بحار از طرق عامه مثل همین نقل میکند وجه استدلال بآیه شریفه این است که این ده چیز نسخ نشده و پیغمبر اسلام مأمور بوده است بمتابعت این ده چیز ودعوت کردن امت را بر آن و از جمله این ده چیز گرفتن شارب است که مستحب است و گذاشتن ریش که ممنوع است از تراشیدن آن اگر کسي بگوید سیاق روایت این است که دلالت بر حرمة نکند بجهت اینکه روایت مشتمل است بر بعضي از امور مستحبه دیگر جواب میدهیم

« اولا » باینکه روایت مشتمل است بر غسل جنابه که از واجبات است « وثانیا » ظهور امر (اتبع) در وجوب است مادامیکه ترخیصي از طرف خود شارع وارد نشده باشد وتفکیك قائل شدن بین فقرات روایتی که مشتمل است هم بر امور مستحبه وواجبه در کلمات اهل ادب عزیز الوجود نیست

(۲) دوم استدلال بایه کریمه (وان یدعون الا شیطانا مریدا . لعنه الله وقال لأتخذن من عبادك نصیبا مفروضا ولأضلنهم ولامنینهم ولآمرنهم فلیبتکن آذان الأنعام ولآمرنهم فلیغیرن خلق الله)

« ترجمه » یعنی نمیخوانند مگر شیطان سرکش را لعنت شیطان فرا گیرم از بندگان تو بهرهٔ که مقرر شده و هر آینه گمراه کنم ایشانرا و به آرزو اندازم ایشانرا و میفرمایم ایشانرا پس ببرند ایشان گوشهای چهار پایان و میفرمایم ایشان را پس تغییر میدهند خلق خدا را وجه استدلال باین آیه بعد از تسلیم دو مقدمه است

اولا ــ اینکه ریش تراشیدن از جمله تغییر دادن در خلق الله بوده باشد

ثانیا ــ اینکه تغییر در هر خلق الله حرام بوده باشد مگر موارد یکه

دليل بر جواز بوده باشد مثل ختنه کردن وناخن گرفتن که يقيناً اينها ازتغيير درخلق الله است ولـكن خود شارع تجويز كرده بلكه لازم الاجراء است بس درنتيجه اين صغرى و كبرى آيه (وليغيرن الله) شامل اين فعل شنيع ميشود وثابت ميشود حرمتش بجهت اينكه ترخيص ازطرف شارع نشده بلكه دراخبار زيادي نهي ازاين عمل شده وعلاوه براين تغيير خلق را كه قسمي ازآن تراشيدن ريش است شيطان لعنة الله عليه امر ميكنند براى اضلال كردن خلق وشيطان هيچوقت آدم را بر عمل مباح امر نميكند هميشه بريك عملي امرميكند كه باعث غضب الهي شود

« اخبار وارده »

(در حرمة ريش تراشي)

« ١ » ازجمله خبري است كه روايت شده درقرب الاسناد كه تأليف شيخ القميين است ومجلسي عليه الرحمه ازتهذيب كه يكي از كتب اربعه وتأليف شيخ طوسي است نقل ميكند

عن علي بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن ابيطالب عن اخيه موسى * ع * قال سألته عن اخذ الشارب اسنه هو قال نعم وسألته عن الرجل له ان يأخذ من لحيته قال اما من عارضيه فلابأس واما من مقدمه فلا

« ترجمه » اما علي بن جعفر راوي روايت جلالت وعظمت قدرش بحدي است كه محتاج به بيان نيست وقبر شريفش معروف است در خارج « شهر قم » ولكن مجلسي ثاني اعتراض كرده بر پدرش كه قبر ايشان بودنش درخارج قم صحت ندارد بجهت اينكه روى قبر نوشته شده فلان بن فلان ابن علي بن جعفر بعد تمام آن اسما باك شده فقط

علي بن جعفر باقي مانده واشتباه شده غرض مراد مجلسي این است که این قبری که معروف بعلي بن جعفر است یکي ازاولادهاي ایشان است فرمود علي بن جعفر سؤال کردم ازبرادرم موسی بن جعفراز گرفتن شارب آیا مستحب است فرمود بلي وسؤال کردم از مردی جایز است ازبراي اوزدن وگرفتن ریشش رافرمود اما ازدوعارض « دوگونه » عیبي ندارد ولکن ازمقدم عارض « صورت » عیب دارد

« ۲ » ازجمله اخبار خبری است که روایت شده در کتاب جعفریات تألیف ابي الحسن اسماعیل بن موسی بن جعفر * ع * قال محمد بن محمد ابن اشعث الکوفي عن ابي الحسن موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر بن محمد عن جده علي بن الحسین عن ابیه عن علي بن ابیطالب * ع * قال قال رسول الله * ص * حلق اللحیة من المثله ومن مثل فعلیه لعنة الله

« ترجمه » فرمود رسول خدا * ص * تراشیدن ریش ازقبیل مثله است وهرکس مثله کند لعنت خدا براو است یعني کما اینکه مثله کردن که قطع اعضاء مخصوص است درشرع مقدس یکي از محرمات است وموجب لعن الهي میشود وهمدوش لعن از پروردگار باعث بغض وعقاب است همچنین تراشیدن ریش هم ازقبیل قطع اعضاء است موجب غضب الهي ومورد عقاب است

« ۳ » ازجمله اخبار خبري است که درمجلد * ۱۶ * بحار مجلسي علیه الرحمه ازکتاب کافي نقل میکند عن علي بن احمد الدقاق عن الکلیني عن علي بن محمد عن محمد بن اسماعیل بن موسی عن احمد بن القاسم العجلي عن احمد بن یحیي المعروف یرد عن محمد بن حذامي عن

عبد الله بن ايوب عن عبد الله بن هشام عن عبدالكريم بن عمر الجعفي عن حبابة الوالبيه قالت رأيت امير المؤمنين * ع * في شرطة الخميس ومعه دره وله سبابتان يضرب بها بياعي الجري والمارماهي والزمير والطافي ويقول لهم يا بياعي مسوخ بني اسرائيل وجند بني مروان فقام اليه فرات بن احنف فقال له يا امير المؤمنين وما جند بني مروان فقال اقوام حلقوا اللحي وفتلوا الشوارب فمسخوا الخ

ـ ترجمه ـ حضرت امير المؤمنين * ع * با تازيانه دو سره خود فروشندكان ماهيان حرام كوشت را ميزده ميفرمود اي فروشندكان مسوخ بني اسرائيل و لشكر بني مروان فرات بن احنف عرض كرد يا امير المؤمنين لشكر بني مروان كيانند فرمود اقوامي بودند كه ريشهايشان را ميتراشيدند و سبيلهايشان را مي تابيدند وخداوند آنها را مسخ كرد اين روايت صريح در حرمت است بجهت اينكه مسخ شدن بشكل ماهيان حرام كوشت ازمعظم ترين عذابها است ومسخ شدن كه ازمعظم عذابهاي الهي است نميشود مكر ازبراي يك عملي كه خيلي مهم واز كناهان كبيره باشد

« سيره قطعيه »

(در قبح ريش تراشي)

اكر بانظر دقيق تكاپو نمائي درتواريخ مي يابي كه اززمان حضرت آدم تازمان خاتم واين زمان درجميع اعصار وادوار تمام انبياء ورسل واوصياء واولياء صالحين حتى بعضي ازسلاطين حفظ اين معنى را نموده وشنيده نشده كه اين عمل شنيع ازاحدي ازاين اشخاص سر بزند واكر بانظر دقيق تر نكاوش نمائي مي بيني كه رؤساي مذاهب ومراجع اسلام ازعامه وخاصه بلكه قسيسين ورهبانيين وعلماي يهود

وغير علماء يهود ازملل واديان خارجه اين عمل شنيع را مرتكب نمي شدند بجهت اينكه آن اشخاصي كه قائل بمذهب اسلامند البته چون بايد بقوانين مذهبي خود عمل نمايند اين عمل شنيع را ترك كرده واما آن اشخاصيكه بدين هم قائل نيستند على كل حال چون اين عمل داراي مضراتى است كه شخص عاقل مرتكب جيزي كه مضراز براي نفس است نمي شود ولذا فعلا در ممالك خارجه پرفسورها واطباي حاذق آن گونه قوانيني كه در اسلام ضرر دنيوي دارد مرتكب نمي شوند

نقل اجماع علماء شيعه

« درحرمة ريش تراشي »

اشخاصي كه ازعلماي شيعه نقل اجماع برحرمة ريش تراشي كردند مير داماد قدس الله سره در رساله شارع النجاتش فرموده تراشيدن ريش حرام است

باجماع مسلمين وبهاء الملة والدين شيخ بهائى دركتاب اعتقاداتش فرموده تراشيدن ريش مثل بقيه كناهان كبيره است ازقبيل قمار، سحر، رشوه وفرموده استاحدى ازعلماء خدشه دراين مسئله نكرده است وبساباشد كه ازضروريات ومسلمات نزد همه است

نقل اجماع

« علماي مذاهب اربعه درحرمة ريش تراشي »

دركتاب (الابداع في مضار الابتداع)ص٤٠٧ تأليف شيخ علي محفوظ كه از علماي طراز اول جامع ازهر مصر ميباشد نقل اجماع

كرده ازمذاهب اربعه برحرمة ريش تراشي وماعين كلمات صاحب كتاب را نقل ميكنيم قال(وقد اتفقت المذاهب الأربعة على وجوب توفير اللحيه وحرمة حلقها والأخذ القريب منه

«الأول» مذهب الحنفيه قال في الدرالمختار ويحرم على الرجل قطع لحيته وصرح في النهاية بوجوب قطع مازاد على القبضة (بالضم) واما الاخذ منها وهي دون ذلك كما يفعله بعض المغاربه ومخنثة الرجال فلم يبحه احدواخذ كلها فعل يهود الهند ومجوس الأعاجم اه(فتح) وقوله ماوراء ذلك يجب قطعه هكذا عن رسول الله ﷺ انه كان يأخذ من اللحية من طولها وعرضها كما رواه الامام الترمذي في جامعه ومثل ذلك في اكثر كتب الحنفية

«الثاني» مذهب السادة المالكيه حرمة حلق اللحية وكذا قصها اذا كان يحصل به مثله واما اذا طالت قليلا وكان القص لا يحصل به مثله فهو خلاف الاولى اومكروه كما يؤخذ من شرح الرسالة لأبي الحسن وحاشيته للعلامة العدوي رحمهم الله

«الثالث» مذهب السادة الشافعية قال في شرح العباب (فائدة) قال الشيخان يكره حلق اللحية واعترضه ابن الرفعه بان الشافعي رضي الله عنه نص في الام على التحريم وقال الاذرعي الصواب تحريم حلقها جملة لغير علة بها اه ومثله في حاشية ابن قاسم العبادي على الكتاب المذكور

«الرابع» مذهب السادة الحنابلة نص في تحريم حلق اللحية فمنهم من صرح بان المعتمد حرمة حلقها ومنهم من صرح بالحرمة ولم يحك خلافا كصاحب الانصاف كما يعلم ذلك بالوقوف على شرح المنتهى وشرح منظومة الأداب وغيرها ومما تقدم تعلم ان حرمة حلق اللحية هي دين

الله وشرعه الذي لم يشرع لخالقه سواه وان العمل على غير ذلك سفه وضلاله اوفسق وجهاله اوغفلة عن هدى سيدنا محمد صلى الله عليه وآله وسلم

ـ ترجمه ـ شيخ علي محفوظ مدرس قسم تخصص جامع ازهر مصر در كتاب ـ الابداع في مضار الابتداع ـ كه اين كتاب تمام بدعتهائي كه دردين كذاشته شده نقل ميكنـد حقير نسخه اورا درنجف فقط بكنفر داشت چنـــد ساعتي كرفتم واستفاده نمودم خلاصه ميكويد بتحقيقكه اتفاق واجماع كردند مذاهب اربعه بروجوب كذاشتن ريش وحرمة تراشيدن ريش وكرفتن ازريش بحـديكه نزديك بتراشيدن بوده باشد

(اول) ازمذاهب اربعه مذهب حنفيه است كه ازابوحنيفه نقل فتوي بر حرمت كرده ندهودر «درالمختار» كفته حرام است برمرد كندنو ازبين بردن ريش را وتصريح كرده است در ـ نهايه ـ واجب است زدن زياده ازيك قبضه واما كرفتن ازريش وكم كردن ازيك قبضه كما اينكه اين فعل اشخاصيست كه درمغرب زمين ساكننـد وفعل مخنثين است احـدي مباح نكرده وكرفتن همهٔ ريش را كما اينكه يهوديهاي هند ومجسوسهاي عجم ميكنند الخ

دركتاب ـ فتح ـ كفتـه است بيشتر ازيك قبضه راواجب است قطعش همينطور بيغمبر * ص * ميكرفت از ريش خود از طولش وعرضش همچنين روايت كرده امام ترمـدي در كتـاب جامع خود ومثل همين در بيشتر ازكتب حنفيه است

«دوم» مذهب مالك است كه حرام است تراشيدن ريش وهمچنين زدنيكه صدق تراشيدن بكند. واما اكـر كمي دراز بشود وزدنش صدق تراشيدن نكند بس خلاف اولى يامكروه بجـا آورده همچنين

است درشرح رساله ابي الحسن وحاشيه او بر علامه عدوي

« سوم » مذهب شافعي گفته است درشرح عباب (فائده) شيخان گفتند تراشيدن ريش مكروه است واعتراض كرده ابن رفعه بر شيخان باينكه شافعي تصريح كرده در كتاب ــ الام ــ برتحريم واذرعي گفته صواب حرام بودن تراشيدن ريش است همه اش را بدون عله الخ ومثل همين گفته درحاشيه قاسم عبادي دركتاب مذكور

« چهارم » مذهب حنبليها تصريح كرده اند بحرام بودن تراشيدن ريش بعضي از حنبليها تصريح كرده اند بدرستيكه اعتماد كرده شده بحرام بودن تراشيدن ريش وبعضي تصريح كرده اند بحرام بودن تراشيدن ريش وخلافي هم ننده مثل صاحب كتاب ــ الانصاف ــ مثل اينكه دانسه ميشود اين مطلب درشرح ــ المنتهي ــ وشرح ــ منظومة الأداب وغير اينها وازاين اقواليكه ذكر شد دانسته ميشود حرام بودن تراشيدن ريش وحرمت تراشيدن ريش ازدين خداوندوشيخ اواست كه ازبراي خلق خود تشريع نفرمود مگر اورا وعمل كردن بغير اين ــ يعنى تراشيدن ريش ــ ديوانگي و گمراهي است يافسق و ناداني است ويا غفلت ازشريعت وراه آقاي ما محمد * ص * است

تائيدات ازاخبار

(بر حرمة ريش تراشي)

ــ١ــ ازجمله اخباريست وارد شده ازطرق عامه وخاصه برنهي از تشبه بكفار واعداء دين روايت كرده شيخ صدوق عليه الرحمه دركتاب (من لا يحضره الفقيه) كه يكي از كتب اربعه است ومحل مراجعه اماميه بآن كتاب است « عن اسماعيل بن مسلم عن مولانا الصادق * ع * قال

اوحى الله الى نبي من انبيائه قل المؤمنين لاتلبسوا ملابس اعدائى ولا تطعموا مطاعم اعدائى ولا تسلكوا مسالك اعدائي ولا تأكلوا مآكل اعدائى فانكم اعدائى كما هم اعدائي

ـ ترجمه ـ حضرت صادق * ع * فرمود وحي نمود خداوند بيكي از انبيائش كه بمؤمنين بكو لباسهاى دشمنان مرا نبوشيد وغذاهاى دشمنهاي مرا نخوريد وطريقه وراه دشمنان مرا مكيريد والا دشمن من هستيد كما اينكه آنها دشمن منند بس شباهت ومشاكلت با آنها حرام است ازجمله طريقه آنها ريش تراشيدن است كه حرام است وهرموحدى ومؤمني اين خطاب شامل اوميشود وبر عهده اواست كه درمواردكيه تشخيص ميدهد كه ازآداب آنها است اجتناب كند

ـ ۲ ـ دومين خبري كه مؤيد ازبراي حرمة ريش تراشي است خبرى است كه روايت شده دركتاب ـ معانى الأخبار ـ كه شيخ صدوق نقل كرده باسناده « عن علي بن غراب عن مولانا الصادق * ع * عن ابيه عن جده قال رسول الله * ص * حفوا الشوارب واعفوا اللحى ولا تشبهوا بالمجوس »

ـ ترجمه ـ فرمود رسول خدا * ص * بزنيد سبيلها راورها كنيد ريش را اين روايت صريح است درنهي ازتشبه بمجوس بدليل اينكه درخبر ديكر دارد « ان المجوس جزوا لحاهم ووفروا شواربهم واما نحن فنجز الشوارب ونعفى اللحى وهي الفطرة »

ـ ترجمه ـ فرمود امام بدرستيكه مجوس ميتراشيدند ريشها يشان را وميكذاشتند سبيلها را واماما اهل بيت عصمت ميزنيم سبيلها را وميكذاريم ريشهارا وجايز نيست از براي مرد مؤمن ومسلم اينكه خودش را شبيه بمجوس نمايد وممكن است از لاتشبهوا باليهود كه

دربعضي ازروايات ديكر داردااستفاده شودبراينكه اصلاهيچ ازريش زده نشود ودراز شود كما اينكه بعضي ازعلماى يهود اصلامقراض هم نميكنند واين موجب آتش است دربعضي از روايات وارده وما خواهيم بيان كرد بزودي كه ازيك قبضه زيادتر هم خالي از اشكال نيست

ـ ۳ ـ سوم من مؤيدات مابر حرمة ريش تراشي خبرى است كه مجلسي عليه الرحمه درجلد ـ٦ـ بحار درباب مراسلات نبي بسوي ملك روم وفارس نقل كرده (انه كتب كسرى الى ـ باذان ـ قهرمانه وهو ـ بانويه ـ وكان كاتبا حاسبا وبعث معه رجلا من الفرس يقال له ـ خرخسك ـ فكتب معهما الى رسول الله * ص * يأمره ان ينصرف معهما الى كسرى وقال لبانويه ويلك انظر الى الرجل وكلمه واتني بخبره فخرجا حتى قدما المدينة على رسول الله * ص * واعلمه بانويه وقال له ان شاهنشاه ملك الملوك كسرى كتب الى الملك باذان يأمره ان يبعث اليك من يأتيه به وقد بعثني اليك لتنطلق معي فان قبلت اكتب فيك الى ملك الملوك بكتاب ينفعك ويكف عنك به وان ابيت فهو من قد علمت فهو مهلكك ومهلك قومك ومخرب بلادك وكانا قد دخلا على رسول الله * ص * وقد حلقا لحاهما واعفيا شواربهما فكره النظر اليهما وقال ويلكما من امركما بهذا قالا امرنا ربنا يعينان بذلك كسرى فقال رسول الله * ص * لكن ربي امرني باعفاء لحيتي وقص شاربي الخ

ـ ترجمه ـ خلاصه ترجمه اين است كه دونفر ريش تراش وسبيل كلفت ازجانب كسرى بواسطه باذان عامل يمن وارد مجلس حضرت رسول * ص * شدند حضرت كراهت داشت كه نكاه بصورت آنها فرمايد فرمود كي شمارا باين وضع امر كرده عرض كردند خداي

ما يعني كسرى پادشاه عجم رسول خدا * ص * فرمود پروردگار من امر فرموده مرا باينكه ريش بگذارم وقطع سبيلهارا بكنم اين روايت اصلا دليل ميشود بر حرمت ريش تراشي بجهت اينكه پيغمبر * ص * از كفار آتش پرست هم اين عمل رازشت داشت وامر الهي رابيان فرمود ويقيناً اين اشخاصي كه مدعي ديانت هستند وبزيارت امير المؤمنين ميآيند وباصورت تراشيده داخل حرم ميشوند حضرت علي ابن ابيطالب * ع * ازآنها روبر ميگرداند

«فتاواي علماء ومجتهدين»

(برحرمة ريش تراشي)

پرواضح است كه مسئله حرمة تراشيدن ريش ازجمله مسائل مسلمه بين فقهاء است بعدازاجماع برحرمه ازفريقين ــ عامه وخاصةــ وماجمله ازاقوال علماء واساطين سابق ولاحق رانقل ميكنيم

« ١ » محدث بحراني صاحب حدائق درآخرطهارتش بعد ازاينكه اخبار وارده ازائمه عليهم السلام رابر حرمة ريش تراشي نقل كرده فرموده (الثانية الظاهر كما استظهره جملة من الأصحاب كماعرفت تحريم حلق اللحية لخبر المسخ المروي عن امير المؤمنين * ع * فانه لايقع المسخ الا على ارتكاب امر محرم بالغ في التحريم)

حاصل كلماتش اين است كه ريش تراشيدن حرام است كما اينكه بزرگان از اصحاب برآنند ازبراى اينكه خبرى كه روايت شده وقبلا مادر اخبار باب نقل كرديم خبر حضرت امير المؤمنين * ع * بود وقضية مسخ شدن آن اشخاصي كه ريش تراشيده بودند ومسخ در شريعت واقع نميشود مگر ازبراى فعل محرمي كه بالاتر از اوحرامي نباشد « ٢ » علامة المحدثين شيخ حر عاملي علاوه برعقد باب مستقلي

دروسائل برحرمة در کتاب ـ بداية الهداية ـ که خلاصه در آنجا تراشیدن ریش رادر عداد محرمات مسلمه شمرده

« ٣ » ازجمله شیخ کبیر شیخ جعفر کاشف الغطاء درباب آداب حمام فرموده حرام است تراشیدن ریش وفرموده احدی مخالفت دراین مسئله نکرده

« ٤ » ازجمله ملامحسن فیض در کتاب وافي بعداز اینکه اخبار باب رانقل کرده فرموده جماعتي ازفقهای مافتوای دادند بحرمة ریش تراشیدن واستشهاد کرده اند بآیه (فليغيرن) همچنانکه مااستدلال کردیم

« ٥ » ازجمله محدث نوري علیه الرحمه درمستدرك الوسائل بابی منعقد کرده برحرمة تراشیدن ریش

« ٦ » ازجمله شیخ احمد احسائی دررساله حیدریه گفته است تراشیدن ریش حرام وآداب مجوسي‌ها است

« ٧ » فاضل کلباسي فرموده حرام‌است تراشیدن ریش وکراهت دارد دراز کردن ریش

« ٨ » علامه مجلسی‌در کتاب حلية المتقين فرموده بدانکه سنت‌است ریش را میانه بلند گذاشتن نه بسیار بلند ونه بسیار کوتاه‌وزیادة‌از یك قبضه مکروه است واحتمال‌حرمة نیزدارد ومشهور میان علماء آنست که تراشیدن ریش حرامست واحوط آنست که اصلاح بسیارشدید که شبیه تراشیدن باشد نکنند

« ٩ » از جمله علامه بحر العلوم

« ١٠ » وصاحب البدایع « ١١ » وصاحب الجواهر

« ١٢ » وعلامه انصاری درآخر مجمع المسائل فرموده تراشیدن ریش حرام است ومقراض کردن بطریق اصلاح چون خود شارع

تجويز كرده جايزاست والاا كر ترخيصي ازطرف شارع نبودملحق بود بتراشيدن

« ١٣ » از جمله فقيه جليل سيد عبـد الله شبر كاظمي در كتاب احسن التقويم

« ١٤ » شمس الفقهاء شهيد اول درقواعـد مسئلهرا مسلم دانسته

« ١٥ » شيخ علي بن محمد بن الحسن بن زين الدين سبط شهيد ثانى در ـ در المنثور ـ مبحث مستقلي برحرمة ريش تراشي عقد كرد واثبات آنرا ازاخبار كرده

« ١٦ ١٧ ، ١٨ ، ١٩ ، ٢٠ » آية الله ميرزا شيرازي وفاضل ايروانى وآية الله كوه كمري وآيةالله ميرزا محمد تقي شيرازي وآقاشيخ زين العابدين حائري

تمام اين اعلام دررسائل خودشان حكم بحرمة ريش تراشي كرده اند ودرسؤالاتى كه ازهندوستان براي مرحوم حجة الاسلام اقاسيد محمد كاظم يزدى ومرحوم حجة الاسلام صدر اصفهاني ومرحوم حائري مازندرانى استفداء شده درريش تراشي تمام اين حجج حكم بحرمـة ريش تراشي كرده اند ومرحوم صدر اصفهـانى مرقوم فرمودند حقير خودم ديدم در يكي از اوراق جاب شده ـ هر كه بفرمايد حاق لحيه ـ (تراشيدن ريش) حرام نيست باسواد علمي ندارد يا اظهـار فضيلت ميخواهد بمايد وازعلماي عامه ابوالقاسم حسين بن محمدبن المفضل راغب اصفهانى دركتاب محاضراتش حـكم بحرمـة تراشيدن ريش كرده آيةالله شيخ الشريعه اصفهانى دررساله خود بس ازفتوى بحرمت فرموده مسئله متسالم عليها بين فقهـا است ومرحوم آية الله شيخ المجتهدين ميرزا محمد حسين نائيني فرمودند علاوه برحرمت كثير

ازيك قبضه هم بي اشكال نيست وفعلا هم جميع علماء ومجتهدين نجف اشرف وكربلا تراشيدن ريش‌را حرام ميدانند واحتياج باينكه اسماء شريف آنها راذكر كنيم نيست وهمچنين جميع علماي قم ومشهد تراشيدن ريش راحرام ميدانند

بعد ازاين همه اقوال علماء وبزركان دين اكر كسي مخالفت كنداز دو حال خارج نيست يا اينكه ميخواهد عناد وعصبيت بخرج دهد يا اصلا دين ندارد بجهت اينكه فرمايشات‌علماء وحاميان دين واجب الاطاعه است مثل اين است كه بيغمبر * ص * بيان نموده وشماهما ازخود اوشنيده ايد اين فقهاي اسلام ازپيش خود جيزى نميكويند تمام رابا مراجعه بكتب اخبار ميفرمايند مثل كتاب كافي كه تأليف ثقة الاسلام مرحوم كليني است كه درزمان غيبت صغرى اين كتاب را تأليف كرده وبانواب خاص امام زمان كه خدمت امام ميرسيدند مخالطت وآميزش‌داشته‌وتمام‌اين‌احكام‌را ازخانواده‌عصمت‌اخذ كرده

« مقدار كذاشتن ريش »

(در شريعت)

اما ظاهر اخبار وكلمات علماء درمكروه بودن زياده ازقبضه است (روى ثقة الاسلام في الوافي عن معلى بن‌خنيس عن ابى عبدالله *ع* قال مازاد من اللحية من‌القبضة فهو فى النار ، وروى في الوافي عن‌محمد ابن ابي حمزة عمن اخبره عن ابى عبد الله * ع * قال مازاد على القبضة ففي النار يعني من اللحية ، وعن يونس عن بعض اصحابه عن ابي عبد الله * ع * ورواه‌في الفقيه مرسلاعن‌ابي عبدالله * ع * في قدراللحية قال تقبض بيدك على اللحية وتجزما فضل قال في الوافي المراد بالقبض على‌اللحية ان يضع يده‌على‌ذقنه فيأخذ بطرفيه فيجزما فضل من‌مسترسل

اللحية طولا لا القبض مما تحت الذقن وروي في الوافي وفي الفقيه عن محمد بن مسلم قال رأيت اباجعفر * ع * والحجام يأخذ من لحيته فقال دورها) ازجميع اين اخبار استفاده كراهت ميشود بجهت اينكه امام معنى فرمودند دريكي ازروايات اكر كسي زياده ازقبضه ريش بكذارد آن زياده درآتش است ملازمه ندارد كه خود آن شخص هم در آتش باشد واختلاف درمعنى قبضه هم شده است مرحوم فيض عليه الرحمه دروافي معنى كرده قبضه را بابنكه دستش رابكذارد بردقنش (جنه) ودوطرف ريش رابكيرد بس زيادي ها رابزند ومعروف است شخصي شبي نشسته كتاب ميخواند ديد نوشته است كه دوچيز علامت حماقت است اول سر كوچك مدور دوم ريش دراز وچون آنشخص قدري تأمل كرده ودستي بسر ريش خود كشيده ديد هردو علامت دراو موجود است آهي كشيد فكري كرد باخود كفت سر من علاج ندارد كه بزرك شود ولي علاج ريش راتوان نمود بدون اينكه تأمل كند چراغ رابيش كشيده يك قبضه از ريش دردست كرفته باقي را بشعله چراغ نزديك ساخت شعله بريشش كرفت دستش بسوخت دست رها كرده تمام ريشش سوخت وصورتش برشته شد وآه وناله اش بلند شد قلم برداشته بحاشيه كتاب نوشت كه تجربه شد كه ريش دراز وسر كوچك علامت حماقت است ودراين عالم سر كلام حضرت صادق *ع* ظاهر شد كه اكر زيادي ريش درآتش جهنم باشد بايد خودش هم بسوزد نه اينكه آن احمق را دربهشت ببرند ودرازي ريش اودر جهنم آويزان است ونه اينكه وقتي ميخواهد داخل بهشت شود زيادي ريش راچيده درجهنم ريزند زيرا كه اهل بهشت جوان وامرد درنهايت حسن وجمال وارد بهشت ميشوند ظاهر اين

است که خود ریش دراز را بجهنم اندازند که مخالفت فطرت اسلام نموده وخود را شبیه بیهود ساخته

روایات وارده

«در استحباب زدن سبیل»

درباب حرمة ریش تراشي بعضي ازروایات که نقل شد مشتمل بر گرفتن سبیل هم بود وروایات بالخصوص هم درکتب مختلفه وارد شده درجلد — ۱٦ — بحار علامه مجلسي نقل میکنـد قال الصادق * ع * اخذ الشارب من الجمعة الى الجمعة امان من الجذام وقال النبي * ص * لا یطولن احدکم شاربه فان الشیطان یتخذه مخبئا یستتره وقال النبي * ص * من لم یأخذ شاربه فلیس منا من کتاب المحاسن عن الصادق * ع * حلق الشارب من السنه

« ترجمه » فرمود حضرت صادق * ع * گرفتن سبیل ازجمعه تاجمعه دیگر امان است ازمرض جذام فرمود پیغمبر * ص * احدي ازشما مردم البته باید دراز نکند سبیلهایش را بدرستیکه شیطان درزیر سبیلها مسکن میکند وخود را پنهان میکند فرمود پیغمبر * ص * هرکس نگیرد سبیلهایش را ازما اهل بیت نیست درکتاب محاسن ازحضرت صادق * ع * روایت شده تراشیدن سبیل مستحب است بعدازاین همـه بیانات درباره ازپیغمبر * ص * وائمـه معصومین خیلي بی انصافي است که شخص عاقل ومتدین بدین اسلام درپیرامون یکعده مزخرفات وخرافات حضرات صوفیه گردش کنـد وخود را مبتلا واسیر یك شخص بی سواد وبي لیـاقت باسم مرشد که واقعاً مضل است نماید اي برادران دیني تاکي تاچند بقوانین اسلام بشت پاخواهید زد جرا

این دستورات را عمل نمیکنید وداًئماً دنبال هوی وهوس میکردید

« خذوا زینتکم عند کل مسجد »

(درفضیلت شانه کردن ریش)

في تفسیر العیاشي عن ابی بصیر عن ابی عبد الله * ع * قال سألته عن قوله تعالی خذوا زینتکم عند کل مسجد قال هو المشط عند کل صلوة فریضة ونافلة

« ترجمه » ازابي بصیرروایت شده کفت سؤال کردم ازاباعبدالله * ع * از معنی آیه ـ خذوا زینتکم عند کل مسجد ـ فرمود اباعبد الله * ع * زینت کردن در هر مسجدي آن شانه کردن ریش است دروقت هرنمازی واجب باشد یامستحب

عن عمار النوفلي عن ابیه قال سمعت ابا الحسن * ع * یقول المشط یذهب بالوبا قال کان لأبی عبد الله * ع * مشط في المسجد یتمشط به اذا فرغ من صلوته

« ترجمه » عمار نوفلي ازپدرش نقل کرده کفت شنیدم: ابا الحسن * ع * رامیفرمود شانه کردن مرض وبارا میبرد وفرمود از براي ابا عبدالله شانهٔ بود درمسجد وقتي فارغ ازنماز میشدندشانه میکردند ـ وکان رسول الله * ص * یسرح تحت لحیته اربعین مره ومن فوقها سبع مرات ویقول انه یزید في الذهن ویقطع البلغم

« ترجمه » پیغمبر * ص * شانه میکردند زیر ریش مبارکشان را چهل مرتبه وازبالای ریش مقدسشان هفت مرتبه ومیفرمودند شانه کردن ذهن را زیاد میکند وبلغم رابر طرف میکند ولذا تجربه شده که این اشخاصیکه ریش میتراشند چون موضوع نیست تاشانه بکنند ازاین فوائد محرومند وغالب ریش تراشها بلغمي وبیمار هستندودائما

هم مبتلا بدندان درد میشوند

قال الصادق * ع * فی قوله * ص * خذوا زینتکم عند کل مسجد قال تمشطو فان المشط یجلب الرزق ویحسن الشعر وینجز الحاجة ویزید فی الصلب ویقطع البلغم

« ترجمه » فرمود حضرت صادق * ع * درذیل آیه شریفه خذوا زینتکم عند کل مسجد شانه کنید بدرستیکه شانه کردن روزي را زیاد میکند وموها رانیکو میکند وحاجات بر میآورد واولاد رازیاد میکند وبلغم راقطع میکند بس شخص ریش تراش از این فوائدي که امام صادق * ع * فرموده محروم است

قال الصادق * ع * مشط الرأس یذهب بالوبا ومشط اللحیه شید الاضراس

« ترجمه » فرمود شانه کردن سر وبارا میبرد وشانه کردن ریس دندانها را محکم میکند ولذا کویند آن طبیب یونانی کفت اکر ریش تراشي نبود دربین مردم اصلا این دندانها باین عمرها یشان کنایت میکرد وقال ابو الحسن موسی بن جعفر * ع * اذاسرحت لحیتك ورأسك فامر المشط علی صدرك فانه یذهب بالهم والوبا

« ترجمه » فرمود موسی بن جعفر * ع * دروقتي که شانه میکني ریش خودت راوسرت رابس مرور بده شانه رابر سینه ات بس بدرستیکه هم وغم ووباء رامیبرد بس اي مدعي دیانت اقلا این کلمات درربار اهل عصمت راکه ازطرف خدا میکویند وازخودشان اصلا سخني نمیکویند تماش ازجانب حکیم مطلق جل شأنه میباشد دربوته عمل بکذارید وهیچ مصرف هم ندارد جزرها کردن هوی وهوس

« فضائل وفوائد مسواك كردن »

في كتاب امالي الصدوق عن المفضل عن الصادق * ع * قال عليكم بالسواك مطهرة وسنة حسنة الخ في مناهي النبي * ص * انه قال مازال جبرئيل يوصيني بالسواك حتى ظننت انه سيجعله فريضة

ـ ترجمه ـ در كتاب امالى شيخ صدوق عليه الرحمه ازمفضل از حضرت صادق *ع* مروي است فرمود امام صادق بر شماباد بمسواك كردن بجهت اينكه پاك كننده است وسنت نيكوئيست فرمود پيغمبر * ص * هميشه اوقات جبرئيل * ع * وصيت ميكنند مرا بمسواك كردن بجوريكه كمان كردم خدا واجب كرده مسواك را

في علل الشرايع عن ابى جعفر * ع * قال قال رسول الله * ص * لولا ان شق على امتي لامرتهم بالسواك مع كل صلوة

« ترجمه » ازحضرت اباجعفر *ع* مروي است كه فرمود حضرت رسول * ص * اكر دشواد نبود بر امت من هرآينه امر ميكردم اينهارا برمسواك كردن باهر نمازي كه ميخوانند

قال ابوجعفر « ع » لكل شيء طهور وطهور الفم السواك

ـ ترجمه ـ فرمود اباجعفر « ع » ازبراي هرجيزي پاك كننده ايست وپاك كننده دهان مسواك كردن است

عن النبي « ص » قال اربع من السنن المرسلين العطر والنساء والسواك والحنا

« ترجمه » فرمود پيغمبر « ص » جهار جيز ازسنن ومستحبات پيغمبران وفرستاده شدكان ازجانب خدا است عطرزدن وزن كرفتن ومسواك كردن وحنا ماليدن

وقال النبي « ص » السواك فيه عشر خصال مطهرة للفم مرضات

للرب يضاعف الحسنات سبعين ضعفا وهو من السنة و يذهب بالحفر ويبيض الاسنان ويشد اللثة ويقطع البلغم ويذهب بغشاوة البصر ويشهي الطعام

ـ ترجمه ـ فرمود بيغمبر « ص » مسواك كردن دراوده خصلت وفائده است (اول) باك كننده دهن است (دوم) خشنودي خدا دراو است (سوم) كارهاي خوب ونيكوي مسواك كننده ثوابش هفتاد برابر ميشود (جهارم) اينكه ازمستحبات است (بنجم) زردي‌هاي روي دندان راميبرد (ششم) دندانهارا سفيد ميكند (هفتم) لثه ها رامحكم ميكند (هشتم) بلغم رارفع ميكند (نهم) برده ازجلوي جشم برداشته ميشود (دهم) اشتها بطعام بيدا ميكند

ازاين قبيل روايات درفضيلت وخاصيت مسواك كردن بقدري زياد است كه قلم رايا راي نوشتن نيست وشارع مقدس اسلام تمام احكام راحتي احكام بيت الخلا رفتن رابراى من وشما فرموده ولكن ماملت هوى خواه غافليم ازخواص آئين اسلام فعلا خارجيها استفاده بيشتر ميكنند ازفرمايشات بيغمبر مايعني ازاين اموريكه فوائد دنيوى دارد مثل مسواك كردن وعطر زدن

« فضيلت وفوائد عطر زدن »

دركتاب طب الأئمه روايت شده « لما عرج بالنبي فتقطر عرقه الى الأرض فانبت من العرق الورد الأحمر فقال رسول الله « ص » من اراد ان يشم رائحتي فليشم الورد الأحمر

ـ ترجمه ـ موقعي كه بيغمبر « ص » بمعراج ميرفتند عرق كردند بس قطره هاى عرق مبـاركشان بزمين ريخت بس از آن عرق كل قرمز (كل محمدى) روئيد بس فرمودند كه هر كس كه ميخواهد

بوی مرا استشمام کنند گل قرمز را ببوید

قال رسول الله « ص » الريح الطيبة تشد القلب وتزيد في الجماع

ـ ترجمه ـ فرمود پيغمبر « ص » بوهـاي پاكيزه ازقبيل عطريات قلب رامحكم ميكند وجماع رازياد ميكند

في الخصال عن ابي عبد الله « ع » قال ثلاث يسمن وثلاث يهزلن فاما التي يسمن فادمان الحمام وشم الرائحة الطيبة ولبس الثياب الليـنـة فاما التي يهزلن فادمان اكل البيض والسمك والطلع

ـ ترجمه ـ اباعبد الله « ع » فرمود سه‌چيز انسان راچاق وفربه ميكنـد (اول) زياد حمام رفتن (دوم) بوئيـدن عطريات (سوم) لباسهای نرم پوشيدن وسه چيز انسان رالاغر ميكنـد (اول) زياد تخم مرغ خوردن (دوم) ماهي خوردن (سوم) طلع درخت خرما خوردن كه قبل از رسيدن باشد در حالت بسربودن ومخفي نماناد كه شارع مقدس‌زنان را منع ازاستعمال‌عطريات كرده در موقع بيرون رفتن ازمنزل‌ولكن درمنزل ازبرای شوهرهای خودهر گونه آرايش كنند مجازند ازطرف شارع وسرش پرواضح است در كتـاب ميل جنسي‌درزن ومرد « بيولوجي عشق وازدواج » ترجمه عبد الله توكل درصفحه ـ۷۵ـ نوشته عطر يكي ازبهترين‌داروهای آرايش وخود فروشي است بوي طبيعي بدن زن حس شهوت را تحريك ميكند . بوی سنبل كوهی گربه‌ها را بسوی خود ميكشانند بس بنابراين زن مسلمان نبايد درموقع بيرون رفتن ازخانه عطر بزند

« فلسفه امر بمعروف ونهي ازمنكر »

ای اشخاصيكه متدين بدين اسلام هستيد وشبانه روز درپنج‌وقت نماز ميخوانيد وسال يكمرتبه روزه ميگيريد بدانيد كه‌امر بمعروف

ونهي ازمنكر هم يكي ازواجبات است كه برهر فرد مسلمي واجب است انجـام وظيفة كند فقط مختص بزعماء وعلماي دين نيست بلكه برجميع مسلمين است كه اقدام كنند باين امري كه خود امام فلسفه اورا بيان نموده (بعبـارت واضحتر كه خيال نكني اسم فلسفه از اوربا آمده) آن فوائدى كه مترتب برامر بمعروف ونهى ازمنكر است خود شارع بيان نموده

في التهذيب والوسائل عن ابى جعفر * ع * قال يكون في آخر الزمان قوم يتبع فيهم قوم مراؤن الى ان قال ولواضرت الصلوة بسائر مايعملون باموالهم وابدانهم لرفضوها كما رفضوا اسمي الفرائض واشرفها ان الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فريضة عظيمة بها تقام الفرائض هنالك يتم غضب الله عزوجل عليهم فيعمهم بعقابه فيهلك الأبرار في دار الأشرار والصغـار في دار الكبار ان الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر سبيل الأنبياء ومنهاج الصلحاء فريضة عظيمة بها تقام الفرائض وتأمن المـذاهب وتحل المكاسب وترد المظالم وتعمر الأرض وينتصف من الأعداء ويستقيم الأمر الخ الحديث

ـ ترجمه ـ درتهذيب ودروسائل ازحضرت اباجعفر * ع * روايت شده فرمود درآخر الزمان كروهي ميباشند كه بيروي كرده ميشوند درايشان كروهي كه رياكننده اند تا اينكه فرمود اكر نماز ضرر بزند بكارهايشان وباموالشان وبدنهايشان هرآينه ترك ميكنند نماز رامثل اينكه ترك كردند بالاترين واجباترا وشريفترين واجباترا بدرستيكه امر بمعروف ونهي ازمنكر واجب بزركى است كه بواسطه او اقامه واجبات ميشود دراين موقع كه ترك ميكنند بسر ميرسد غضب خداوند تبـارك وتعالى بس عـذابش شامل همه ميشود بس هلاك

میشوند خوبان درخانه بدان و کوچکان « بچه‌های بی گناه » درخانه بزرگان بدرستیکه امر بمعروف و نهی ازمنکر راه پیغمبران است وطریقه صلحاء وخوبان است واجبی است بزرك بواسطه‌اواقامه واجبات میشود ومأمون میشود وطرق وراه‌ها وحلال میشود کسبها ورد کرده میشود ظلمها ومعمورمیشود زمین وانصاف گرفته میشود ازدشمنان ومستقیم میشود کارها

عن علي بن ابراهيم عن هرون بن مسلم عن مسعده بن صدقه عن ابي عبد الله *ع* قال قال النبي *ص* كيف بكم اذا فسدت نساؤكم وفسق شبابكم ولم تأمروا بالمعروف ولم تنهوا عن المنكر فقيل له ويكون ذلك يارسول الله فقال نعم وشر من ذلك كيف بكم اذا امرتم بالمنكر ونهيتم عن المعروف فقيل له يارسول الله ويكون ذلك قال نعم وشر ذلك كيف بكم اذا رأيتم المعروف منكرا والمنكر معروفا

ـ ترجمه ـ علي بن ابراهيم قمي بسند خود از حضرت صادق *ع* روايت ميکنند کهامام صادق فرمود پيغمبر *ص* فرمودچه ميشود شمارا دروقتيکه زنهای شمافاسد شوند وجوانهای شمافاسق وشما آنها را امر بمعروف ونهی ازمنکر نمیکنید پس گفته شد یارسول الله میشود اینطور شود پس فرمود بلي بدتر ازاين شمارا چه شود وقتی که امر میکنید مردم رابکارهای بدونهی میکنید ازکارهای خوب پس گفته شد یارسول الله میشود اینطور شود فرمود بلي بدتر از این شمارا چه شود دروقتیکه کارهای خوب‌وزیبارا بدوزشت‌میبینید وکارهای زشت وبدرا خوب وزیبا روایات درباب امر بمعروف ونهی ازمنکر زیاده ازحد است

ولکن عمل کرده نمیشود اسلام درموقعی قوت میگیرد که این

مفاسد ازمابین مردم رفع شود تا این گونه بی‌ناموسی‌ها ولا ابالی گریها درمابین مردم رفع نشود اصلاح نخواهد شد جرا موضوع حجاب راتعقیب نمیکنید مگر هرروز قرآن نمیخوانید جرا میخوانید صرف خواندن که نیست نزول قرآن برای عمل کردن باحکام الهي است همانطوریکه نماز میخوانید باید امر بمعروف ونهي ازمنکر هم بکنید ولکن باشرائطش تمام این مفاسدي را که امروز مي بینید از این کشف حجاب بیداشده بجهت اینکه آن زنی که‌خودرا آرایش‌میکند ودر خیابانها گردش میرود دل هزارها جوان راني رباید وجوانهم درازاء آن خودرا درست کرده ریش‌میتراشد سرافسار « کروات» مي‌اندازد باتمام بی‌شرمي وبی شرفي عشقبازی مي‌نابد ای متمدن بی تمدن جراهم خوابه خود را بخیابانها واستخرها وسینماها وتآترها میفرستی ودختر خودرا بدبیرستان که جز درس عشقبازی یاد نمي گیرد رها میکني خودت فکر کن وجدانت قبول این معنی رامیکند . یانه جراباید درمملکت اسلامي این مقدار مسکرات بفروش رود این شرابهائیکه غیرازضرر دنیوی واخروی فائده دیگر نداردوخداوند تبارك وتعالی درکتاب مجیدش حرمت شرب آنرا بیان نموده بااینحال اگر بمرکز ایران که طهران است روی وهمینطور بعضي ازشهرهای دیگر مغازه‌هاي مشروب فروشي بیشتر است ازمغازه های کتاب فروشي

ای اهل مشهد ومجاورین قبر علي بن موسی الرضا جرا باید کار خانه مشروب سازی درآن سرزمین بوده باشد وهیج گفته نشود جرااز مجاورین قبرخواهرش حضرت معصومه تعلیم نگرفتید باتمام مردانگي وفتوت دکاکین عرق فروشي رامضمحل کردند واقعاً هم نتیجه

بردند بکوشید دراظهار حقایق وهدایت گمراهان

« قولوا الحق ولو کان علی انفسکم »

(نکته قابل توجه)

یکي ازمحرماتي که درمملکت مسلمین وشیعیان امیرالمؤمنین (ع) قبحش رطرف شده مسئله رديو است که اصلا اهمیت باین محرم بزرك داده نمیشود تمام بي‌شرمي از تمام طبقات مرتکب این عمل شنیع هستند ومیگویند خبارش که عیبي ندارد ولکن غافلند ازاینکه اصلا وضع رادیو از رای غافل کردن جامعه اسلام است ازذکرخدا واحکامش وعلاوه وش دارید چشم دارید مي شنوید که روز وشب جزساز ونوازی که باعث فساد اخلاق زن وفرزندوغفلت آنان ازذکر خدفائده دیگر داردو اصلا هتك بکتاب آسماني میشود ؟

بجهت اینکه چند سورهٔ ازقرآن مجیدهم اگر خوانده شود بعدش رقص دختر مصری وویاون زدن وسار نواز است وحال نکه اگر قبل ازآ این‌یات قرآني قرائت شده نهي از تمام این اعمال نیع میکنند وخلاصه بکوشید دررفع این‌مفاسد تاکي عبرت‌نمیگیرید رکز مرکي ازبرای خود تصور نمي نمائید وگرنه ساعتی قرار خواهید گرفت بدانید آنچیزهائي که وسیله ازبراي نشر اعمال نیعه است بجامعه « ازقبیل ویاون زدن وساز ونواز وخواندن زن مصری » حرام است باتفاق جمیع علماء وهرکس مخالفت نماید ازدوحال خارج نیست یا اینکه مدارك احکام رانمي فهمد ویا اینکه هوی پرست وهوی خواه است

آزادی فحشاء

در کشور ایران

چرا باید درکشور ایران که مذهب رسمي مردم تشيع ودين رسمي مردم اسلام است درهر شهری فواحش بوده باشد بطوريکه اصلا آزاد باشد ودولت هم درکارهای آنها نظارت داشته باشد ولهذا میکوشد که ازشیوع سوزاك وسفلیس جلوگیری کند اما بدبختانه این کار سودي ندارد وفواحش جوانان راروز بروز بیچاره تر میکنند دربعضي ازکشورهای دنیا که بوی اسلام هم بدماغشان نخورده دولت صاف وصریح فحشاء را ممنوع داشته ولي متأسفانه کشور ایران که مرکز تشیع وعلوم آل محمد است باید درهر شهری محل مخصوص بنام « شهرنو » مهیا وآماده باشد ازبرای برباد دادن عفت ومنقطع کردن نسل عده از جوانان

بدانید ای مدعیان دین اسلام تاروزي که « شهرنو » درکشور شماها وجود دارد « هیچ انجمن مبازره بافسادی » نخواهد توانست کاری از بیش ببرد بدبختانه باید اعتراف کرد که ایران کنونی مرکز ثقل بیماریهای آمیزشي درخاور میانه شده است سرنوشت « اهواز » و« آبادان » ازبندر « مارسیل » « فرانسه » بدتر است وسرنوشت تهران را همه‌ما میدانیم ومؤلف کتاب « بامن بشهرنو بیائید » خوب مطالب‌را آفتابی نموده ویك ننك بزرکي است‌ازبرای جامعه اسلام ویقین بدانید که این کتاب بزبانهای دیکر ترجمه میشود وفضاحت‌آن عالم کیرمیشودلهذا بکوشید دررفع کردن این‌عفریتهای شهرنوی‌ومیکربهای‌سوزاك وسفلیس ودولت ایران اکرعلاقه داشته

باشد که جو اناٰنرا از بدبختي نجات دهد و نگذارد که درسال ششصد هزار نفر برای معالجه سوزاك وسفلیس شان به بیمارستان نجات بروند باید جارهٔ بیندیشند وشهر نو را ازمیان بردادر بعقیده حقیر این است که باید حتي القوه این کاررا انجام داد برای خاطر بقای نسل ایرانی وباقطع نظر ازجنبه دیانت آیاوجدان شخص عاقل راضي میشود براینکه ناموس دیگران رادر یکشب اشخاص متعدده بااو عشق ورزند والادر کتاب آسمانی که نازل بر پیغمبراسلام شده نهي ازنظر کردن بنامحرم نموده حتي پوشانیدن زن چشمش را از مردنامحرم تاچه رسد باین بي ناموسيها خلاصه بکوشید درقطع کردن بنیاد این بی عفتي هائیکه باعث عذاب وعقاب اخروی است

محل مثله کردن

یا (سالون آرایشگاه)

درسالون آرایشگاه سلمانیها ریش میتراشند ولکن پیغمبر * ص * فرموده مثله میکنند وهرکس مثله کند لعنت وغضب الهي براوست

آن شخصي که بسالون آرایش میآید وحاضر میشود برای تراشیدن ریش خود مبتلا بعذاب اخروي وامراض دنیوی میشودولــکن سلماني وآرایش دهنده علاوه برعذاب اخروی اجرتی راکه درمقابل عمل تراشیدن ریش غیرمیگیرد حرام است ومالك آن نمیشود ولباسهائی که با آن وجــه میخرد غصبي است وتمــام اعمالش از قبیل نمــاز وحجش باطل است بجهت اینکه اجرت برعمل محرم حرام است باجماع تمام فقهــاء مسلمین مثل اجرت گرفتن برصنایع آلات قمار وساختن مشروبات والسلام علی من اتبع الهدی

فهرست

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٣	١٠	سعاتمندی	سعادتمندي
٣	١٢	اکثر	کثر
٦	٢	ممکنان	ممکنات
١٦	١٨	حقظ	حفظ
١٩	٢٢	یشود	بشود
٢١	٦	دشمیان	دشمنان
٢٢	٣	اپن	این
٢٣	٤	یرست	پرست
٢٣	٥	یقیباً	یقیناً
٢٤	٨	اشتشهاد	استشهاد
٢٥	١٥	استفداء	استفتاء
٣٥	٤	وطرق	طرق
٣٧	٢	ردبو	رادیو
٣٧	٧	خد	خدا
٣٧	١١	آاینیات	این آیات

کتاب دیگر مؤلف که بعداً
بطبع خواهد رسید

سنن النبوية

في الآداب والافكار

فردي — نوعي — اجتماعي

عنوان مراسلات

نجف أشرف — مدرسه سید